

دو فصلنامه تفسیر پژوهی

سال سوم، شماره پنجم

بهار و تابستان ۹۵

صفحات ۲۰۹-۱۷۷

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های

تطبیقی و تفسیر علمی*

دکتر سید محمد نقیب**

عباس یوسفی تازه‌کندی***

مرتضی سازجینی****

چکیده

با توجه به جدید بودن مطالعات میان رشته‌ای قرآن و برداشت‌های متفاوت از آن، تعریفی منسجم و همچنین بیان وجه تمایز آن با تفسیر تطبیقی و تفسیر علمی ضروری می‌نماید. مطالعه میان رشته‌ای قرآن به این معنا است که شخص متخصص در علوم قرآنی، برای حل پدیده چندوجهی، از یافته‌ها و یا روش علوم دیگر به‌طور تخصصی استفاده کند. مطالعه تطبیقی قرآن، اغلب به معنای مطالعه تطبیقی بین تفاسیر مذهب شیعه و مذاهب اهل سنت، و گاهی به معنای مطالعه تطبیقی قرآن با عهدین و به‌ندرت به معنای مطالعه تطبیقی بین قرآن و علوم دیگر است. انواع تفسیر علمی در نگاه صاحب‌نظران به تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن، استخراج علوم از قرآن و استخدام علوم برای فهم قرآن، تقسیم می‌شود. نتیجه بررسی تطبیقی سه روش مطالعاتی بدین صورت است که تفسیر تطبیقی و تفسیر علمی در معنای سوم مترادف مطالعات میان رشته‌ای و در معانی دیگر متمایز از آن است و به لحاظ منطقی رابطه عموم و خصوص من وجه دارند.

کلید واژه‌ها: مطالعات میان رشته‌ای، تفسیر تطبیقی، تفسیر علمی.

۱- مقدمه

*- تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۸

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

*** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. (نویسنده مسؤل) auosefi6@gmail.com

**** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. Mortaza.1370@chmail.ir

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۷۷

پژوهشگران و محققان قرآنی به گونه‌های مختلفی به مطالعه، پیرامون قرآن می‌پردازند. گاهی این مطالعات درون دینی و گاهی برون دینی است. یکی از روش‌های جدید و کارآمد در مطالعات دینی، مطالعات میان‌رشته‌ای است. مطالعات میان‌رشته‌ای از مباحث جدید و نو در علم محسوب می‌شود که برآیند پیچیدگی مسائل و غیرخطی بودن روابط و مناسبات اجتماعی میان حوزه‌های مختلف معرفت است که شناخت آن‌ها را از طریق روش‌های رشته‌ای غیرممکن می‌سازد (خرسندی، ۱۳۸۷ش: ۲۲). در حقیقت پیچیدگی مسائل و پدیده است که ضرورت بررسی میان‌رشته‌ای را آشکار می‌سازد (علوی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷ش: ۱۰۱) و این پیچیدگی نیز در علوم انسانی نمایان‌تر است.

قرآن کریم به دلیل چندوجهی بودن مسائل آن در معرض چنین پژوهش‌هایی قرار می‌گیرد. ولی به دلیل نو بودن این شکل از مطالعات، برداشت‌های متفاوتی از آن شده است؛ به تبع این برداشت‌ها، هر گروهی تحقیقات خود را که مشابه این نوع از مطالعات است، میان‌رشته‌ای می‌داند؛ درحالی‌که اختلاف‌های اساسی باهم دارند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان همه این موارد را میان‌رشته‌ای به حساب آورد؟ اگر جواب مثبت است بر چه مبنا و رابطه‌ای باید این گونه‌ها را کنار یکدیگر قرار داد؟ وجه تمایز میان‌رشته‌ای با گونه‌های مشابه چیست؟ بدیهی است که پرداختن به چنین مواردی می‌تواند راه پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم را هموار و روشن‌تر سازد.

۲- طرح مسأله

وجوه مختلف اغلب مسائل قرآنی، آن را در معرض انواع روش‌های تحقیقی قرار می‌دهد. یکی از روش‌های کارآمد در این زمینه که در قرن اخیر به صورت نظام‌مند مطرح شده است، روش تحقیق مطالعات میان‌رشته‌ای است. از روش مطالعات

میان‌رشته‌ای به دلیل نبودن، برداشت‌های متفاوتی شده است؛ تا جایی که برخی از محققان، تفسیر تطبیقی و تفسیر علمی را نیز مطالعات میان‌رشته‌ای می‌دانند. از این رو، ارائه تعریفی منسجم از این سه روش مطالعاتی و بیان وجوه تمایز آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳- آیا قرآن ماهیت میان‌رشته‌ای دارد؟

سؤالی که در بدو پاسخ به این سؤال به نظر می‌رسد این است که چه مسأله‌ای در تحلیل نیازمند اخذ روی آورد میان‌رشته‌ای است؟ اساساً هر مسأله‌ای نیاز به رویکرد میان‌رشته‌ای ندارد؛ بلکه مسأله‌ای محتاج چنین مطالعه‌ای است که چند تباری (multipleorigens) باشد. مسأله چند تباری، به دلیل کثیرالاضلاع و ذو بطون بودن، ریشه در علوم مختلف دوانیده است. مسأله چند تباری متعلق به پدیده‌ای است که یا به دلیل برخورداری از عوامل گوناگون و یا به دلیل داشتن آثار گوناگون، ریشه در زمینه‌های معرفتی گوناگون دوانده است (قراملکی، ۱۳۹۰ش: ۳۹۴). پس در مسائل و موضوعاتی که تک‌وجهی هستند شیوه میان‌رشته‌ای کاربردی ندارد.

سؤال دوم این است که آیا قرآن کریم را می‌توان با این روش، مورد مطالعه و تحقیق قرار داد؟ پاسخ به این سؤال مثبت است؛ چراکه در قرآن مسائلی ذکر شده که عوامل بسیار متنوعی در آن نقش بازی می‌کنند؛ برای مثال فرزند کشی پدیده‌ای است که عوامل مختلفی دارد که می‌توان به عوامل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگی و غیره اشاره کرد؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا؛ و از بیم تنگدستی فرزندان خود

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۷۹

را مکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است» (اسراء/۳۱).

سؤال سوم این است که آیا همه‌ی مسائل قرآن چندوجهی است؛ به عبارت دیگر، آیا تمام آیات قرآن را می‌توان به روش میان‌رشته‌ای مورد مطالعه قرار داد؟ پاسخ به این سؤال منفی است؛ زیرا همه‌ی مسائل قرآن چندوجهی نیستند؛ بلکه می‌توان گفت اکثر آیات قرآن چندوجهی هستند و آمار دقیق آن، نیاز به پژوهش دیگری دارد.

۴- معنا و مفهوم مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم

مطالعات دینی از تنوع روی آورد و تعدد روش برخوردارند. تعدد روش یادشده، دارای دو گونه‌ی متفاوت است. گونه خاصی از آن که در آن، مسائل مختلف را با روش‌های گوناگون بررسی می‌کنند. گونه‌ی دیگر تنوع روش، ناظر به مسأله‌ی واحد است که در آن مسأله‌ی واحد، با چند روش مورد بحث قرار می‌گیرد که از مورد دوم به مطالعه میان‌رشته‌ای (interdisciplinary study) تعبیر می‌شود. «مطالعه میان‌رشته‌ای، کثرت‌گرایی روش‌شناختی مبتنی بر تعامل مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسأله‌ی واحد است. به دیگر سخن، مطالعه‌ی میان‌رشته‌ای، شناخت پدیدار در پرتو گفت‌گوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است». (قراملکی، ۱۳۹۰: ۳۹۲)

چندوجهی بودن مسائل قرآنی، قرآن را در معرض پژوهش میان‌رشته‌ای قرار می‌دهد. فارغ از برداشت‌های متفاوت، مطالعه میان‌رشته‌ای قرآن به این معنا است که فردی در علوم قرآنی به معنای عام، متخصص باشد و برای حل مسأله چندوجهی قرآنی، از یافته‌ها و یا روش علوم دیگر به‌طور تخصصی و نه سطحی جهت تعمیق دانسته‌ها و یا تکمیل آن استفاده کند.

توجه به چند نکته ذیل، در تعریف بالا حائز اهمیت است :

۱. محقق میان رشته‌ای قرآنی باید در علوم قرآنی متخصص باشد تا به نتیجه مطلوب دست یابد و صرف اطلاعات سطحی از این رشته جز سردرگمی در این وادی ندارد.

۲. مسأله‌ای از قرآن مورد مطالعه‌ی میان رشته‌ای است که چندوجهی باشد؛ یعنی به دلیل برخورداری از عوامل گوناگون و یا به دلیل داشتن آثار گوناگون ریشه در زمینه‌های معرفتی مختلف دوانده باشد.

۳. در مطالعات میان رشته‌ای هم می‌توان از یافته‌هایی دیگر علوم و هم از روش‌های دیگر علوم مرتبط استفاده کرد.

۴. استفاده از یافته‌ها و روش‌های دیگر علوم باید به‌طور تخصصی به کار گرفته شود که این امر یا به‌وسیله خود شخص و یا به‌وسیله گروه متخصص محقق می‌شود.

در یک تقسیم بندی کلی، مطالعات میان رشته‌ای قرآن به دو شکل می‌تواند صورت بگیرد:

۳-۱- استفاده از یافته‌های علوم دیگر

در این روش، از داده‌های یک یا چند رشته در یک رشته دیگر استفاده می‌شود. در ارتباط داده‌ای میان دو رشته علمی، داده‌های فراهم آمده در رشته «الف»، در اختیار رشته «ب» قرار می‌گیرد و با روش‌های رشته «ب» پردازش‌های بعدی درباره‌ی آن‌ها انجام می‌گیرد. لازم است داده‌های رشته‌ی «الف» که به زبان همان رشته بیان شده، نخست به زبان رشته «ب» ترجمه شود تا بتواند در فرآیند پردازش‌های آن

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۸۱

رشته جذب و هضم شود (پاکتچی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۹) در این نوع، محققان به چند شکل در تحقیقات قرآنی خود که ناشی از عوامل مختلف است، عمل می‌کنند که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱-۱- استفاده از تمام دانش‌ها بدون روش مشخص

گاهی محقق سعی دارد از راه‌آورد تمامی دانش‌هایی که درباره‌ی مسئله واحد سخن گفته‌اند، استفاده کند؛ اما برای نیل به مقصد، روش تعریف شده‌ای ندارد و بدون برنامه‌ی دقیق پژوهشی، به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد. وی با شعار «الجمع مهما امکن، اولی من الترتیب» سعی دارد آرای مختلف و متخالف را در تحلیل مسئله واحد جمع‌آوری کند؛ اما در این مقام، هیچ‌گونه روش منطقی ندارد. این‌گونه کثرت‌گرایی به نقاط اندیشه‌ها و خلط مبانی می‌انجامد و آثار سوء آن، کمتر از آفات حصرگرایی روش‌شناختی نیست. اطلاعات وسیع از علوم مختلف داشتن، شرط لازم مطالعه میان‌رشته‌ای است؛ اما شرط کافی نیست. شرط کافی، داشتن روش منطقی در بارور ساختن اطلاعات مختلف است. (قراملکی، ۱۳۹۰ش: ۳۸۸)

بیشتر تفاسیر عرفانی را می‌توان از این دسته شمرد. اساساً مکتبی که بر پایه ذوق استوار است، نمی‌تواند روشی یکسان در فهم قرآن داشته باشد؛ زیرا ذوق، امری شخصی است و تابع سلیقه و هویت شخص است و نمی‌تواند باذوق شخص دیگر برابر باشد. به این دلیل، گونه‌ای بی‌مبنایی بر سراسر تفاسیر اهل عرفان حاکم است. به‌عنوان مثال تفسیر حقایق التفسیر اثر ابو عبدالرحمان محمد بن حسین بن موسی ازدی سلمی (متوفای ۴۱۲) که در این تفسیر، از گفته‌های تفسیری ابن عطا و روایات منقول از امام صادق (ع) بهره گرفته و در کنار آن، به اقوال مشایخ بزرگ صوفیه و

اهل عرفان نیز پرداخته است. ولی در ارائه‌ی آن‌ها روش منطقی ندارد. چون در آن، تفسیر و تأویل به هم آمیخته شده و یا صرفاً به تأویل پرداخته است. (معرفت، ۱۳۷۹ش: ۳۸۳)

قطعاً این مورد نمی‌تواند مطالعه میان رشته‌ای به حساب آید؛ چرا که اولاً روشمند نیست و ثانیاً به التقاط اندیشه‌ها می‌انجامد.

۳-۱-۲- گاهی محقق در جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها روشمند عمل می‌کند که خود این روش بر دو گونه است:

۳-۱-۲-۱- کثرت‌گرایی مکانیکی

در این قسم محقق، آرای مختلف را از علوم گوناگون اخذ می‌کند؛ اما هر یک از آراء را با طرح و برنامه پیشین، در نظام معرفتی معینی جای می‌دهد. دیدگاه یک گستره را چون ریشه‌ها و دیدگاه گستره دیگر را چون تنه و سومی را چون شاخه و برگ نظام قرار می‌دهد. در این برنامه، محقق با دوری از حصر‌گرایی روش‌شناختی، از دیدگاه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود و از هیچ دیدگاهی اعراض نمی‌ورزد؛ اما بهره‌مندی وی از دانش‌های مختلف، صرفاً برای تأسیس نظام خاصی است. چنین رهیافتی میان‌رشته‌ای نیست. (قراملکی، ۱۳۹۰ش: ۳۹۰)

در این مورد می‌توان به تفسیر «جامع البیان فی تاویل آی القرآن» اثر ابوجعفر محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰) اشاره کرد. طبری، تفسیر هر آیه را بدین گونه آغاز می‌کند: «القول فی تاویل قوله تعالی...» و مقصود وی از تأویل، همان تفسیر و بیان معنای آیه است. سپس با گفتن «یعنی...» تفسیر آیه را بر اساس رأی برتر بیان می‌کند و در صورت لزوم به تبیین واژگان مشکل آیه می‌پردازد و از اشعار و

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۸۳

ضرب‌المثل‌های عرب بهره می‌گیرد. آنگاه اقوال مختلف را جداگانه و به‌گونه‌ای منظم نقل می‌کند؛ بدین صورت که هر وجهی را با شماره‌ای می‌آورد و قول هر قائل را در خصوص هر وجه با عبارت «حدّثنی» یا «حدّثت» آغاز می‌کند؛ سپس سند خود را به آن قائل، - به‌گونه‌ای مسلسل و زنجیره‌وار- بیان و با این روش، راه را برای تبیین ضعف یا قوت سند آماده می‌کند.

ایشان پس از بیان اقوال، غالباً آن‌ها را بدون ترجیح یا ذکر دلایل اعتبار هر یک از آن‌ها، رها می‌سازد؛ ولی در مواردی که به نظرش مهم است، به ذکر دلایل اعتبار هر یک از اقوال می‌پردازد و برخی را نیز ترجیح می‌دهد و از شواهد عقلی و نقلی و لغت و ادب نیز بهره می‌جوید. (معرفت، ۱۳۷۹ش: ۱۶۵/۲). با بررسی روش این مفسر متوجه می‌شویم که ایشان بیشتر سعی در جمع آراء به‌صورت منظم داشته و کمتر به دخل و تصرف و ترکیب آن‌ها برای رسیدن به دیدگاهی ژرف پرداخته است؛ لذا این مورد را هم نمی‌توان مطالعه‌ی میان رشته‌ای قرآن به معنای مصطلح دانست.

۳-۱-۲-۲- کثرت‌گرایی دینامیکی

در این قسم محقق در مقام جمع آراء نیست؛ بلکه در واقع، آراء مختلف را به طریق پویا، در تصرف و ترکیب می‌گیرد که در این میان، به دیدگاهی ژرف‌تر برسد. چنین مطالعه‌ای را «کثرت‌گرایی دیالکتیکی» و یا «مطالعات میان‌رشته‌ای» می‌نامیم.

تفاوت مطالعه میان‌رشته‌ای با کثرت‌گرایی مکانیکی، در این نکته مهم است که کثرت‌گرایی مکانیکی، به جمع آراء می‌انجامد و مجموعه‌هایی (البته با نظام و طرح قبلی) از اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها را فراهم می‌آورد؛ در حالی که مطالعه میان‌رشته‌ای به جمع دیدگاه‌ها نمی‌انجامد؛ بلکه به یافتن روی آوردی ژرف‌تر ختم می‌شود که حاصل آن

به دست آوردن دیدگاه خاصی است. در مطالعه میان‌رشته‌ای، دیدگاه‌های مختلف به عنوان ره آورد رویکردهای گوناگون، به چالش و گفت‌و شنود مؤثر می‌پردازند تا مواضع ضعف و قوت هر روی آوردی معلوم گردد و در نهایت، روی آوردی ژرف‌نگر فرار روی محقق قرار گیرد. (قراملکی، ۱۳۹۰ش: ۳۹۲)

در این زمینه می‌توان از تفسیر «التبیین فی تفسیر القرآن» اثر ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۰) نام برد. شیخ بزرگ علامه طوسی از بزرگ‌ترین علمای امامیه و پیشوا و مقدم آنان است و در علوم و معارف اسلامی بر همگان پیشی جسته و الگو و سرمشق همه کسانی است که پس از او در تمامی علوم اسلامی؛ از قبیل فقه، تفسیر، کلام، اصول، رجال و حدیث به تألیف پرداخته‌اند. «التبیین» تفسیری است جامع و فراگیر که ابعاد متعددی چون لغت، ادب، قرائت، نحو، تفسیر و تأویل، فقه، کلام و ... را در بر گرفته است. شیخ طوسی در این تفسیر هیچ بعدی از ابعاد مربوط به تفسیر کلام الهی را رها نکرده و درباره هر یک، بحثی کافی و وافیه نموده است.

از ارجاعات شیخ در این تفسیر به سایر کتب فقهی و اصولی و کلامی اش معلوم می‌گردد که وی تفسیر خود را بعد از تألیف کتاب‌های دیگرش نوشته و به همین جهت این کتاب عظمت و غنای علمی بیشتری نسبت به کتاب‌های دیگر او دارد. حقیقتاً این تفسیر گوی سبقت را از تمامی تفاسیر رایج در آن زمان ربود؛ زیرا بیشتر تفاسیر مرسوم در آن زمان مختصر بودند و فقط به یکی از جوانب تفسیر می‌پرداختند؛ در حالی که این تفسیر، جامع تمام اقوال و نظریات مفسران قبل از خود بود. (معرفت، ۱۳۷۹ش: ۲/۲۴۸)

شیخ در مقدمه‌ی تفسیر خود می‌گوید: «آنچه مرا به تألیف این کتاب واداشت، این بود که در بین علمای گذشته و کنونی کسی را نیافتم که کتابی چنان جامع در تفسیر قرآن نوشته باشد که شامل جمیع فنون و فروع معانی آن باشد. تنها عده‌ای به جمع آوری احادیث و روایات مربوط به تفسیر آیات اقدام نموده‌اند و در صدد استیعاب و توضیح نبوده‌اند. در میان آنان برخی بسیار گسترده سخن رانده و به ذکر تمام معانی و مفاهیم و احادیث و اخبار پرداخته‌اند؛- مانند طبری و همانندان او- برخی هم تنها به ذکر غرایب قرآن و معانی الفاظ بسنده کرده‌اند. گروهی هم با توجه به توان علمی خویش به‌طور میانه در این وادی گام نهاده‌اند و از آنچه بدان معرفت و شناختی نداشته‌اند سخنی نگفته‌اند. من با خواست خداوند، با ایجاز و اختصار به تمامی فنون مربوط به تفسیر قرآن می‌پردازم. مطالب را نه چندان بسط می‌دهم که باعث ملال خاطر خواننده شود و نه چندان مختصر می‌کنم که به علت اختصار، فهم آن بر وی دشوار گردد». (طوسی، بی‌تا: ۱/۱)

همان‌طور که از انگیزه شیخ طوسی برای اقدام به نوشتن به چنین تفسیری برمی‌آید، قبل از ایشان، دیگران یا تک‌رشته‌ای به قرآن می‌پرداختند؛ مثل زجاج که برای پژوهش‌های قرآنی مفید نبود و یا مثل طبری در تفسیرش به صورت مکانیکی به جمع آراء و احادیث بدون توضیح و دخل و تصرف پرداخته‌اند؛ درحالی‌که شیخ طوسی علاوه بر جمع آراء و نظرات دیگر بزرگان در رشته‌های مختلف، در مقام توضیح و نقد برآمده تا به دیدگاهی ژرف‌تر برسد و این همان کثرت‌گرایی روش‌شناختی دینامیکی است که شیخ طوسی از آن استفاده کرده است و می‌توان کار با ارزش ایشان را میان رشته‌ای به حساب آورد.

۳-۲- استفاده از روش علوم دیگر

استفاده از روش علم خاص در علم دیگر زمانی امکان‌پذیر است که رابطه‌ای طولی با یکدیگر داشته باشند. مقصود از قرار گرفتن دو رشته در طول یکدیگر آن است که امری از رشته‌ی «الف» نسبت به رشته «ب» جنبه‌ی مقدمی داشته باشد. این امر مقدمی ممکن است یکی از روش‌های رشته‌ی «الف» باشد که در رشته «ب» از آن استفاده می‌شود و ممکن است یکی از داده‌های و دستاوردهای رشته‌ی «الف» باشد که در رشته‌ی «ب» مبنای قرار گرفته و بدان استناد شده است. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

در ارتباط روشی میان دو رشته‌ی علمی، روش‌های توسعه‌یافته در رشته‌ی «الف»، به‌عنوان رشته‌ی خادم در اختیار رشته «ب»، به‌عنوان رشته‌ی مخدوم، قرار می‌گیرد تا برای پردازش اطلاعات فراهم آمده در رشته‌ی «ب»، از این روش‌ها استفاده شود. از آنجا روش‌ها از جنس قالب و شکل است و در این فرآیند ارتباطی، محتوای رشته «ب» در قالب رشته‌ی «الف» ریخته می‌شود، پاسخی که به‌عنوان نتیجه به دست می‌آید، از جنس داده‌های رشته «ب» و در فضای زبان رشته‌ی «ب» خواهد بود. (همان: ۱۱۹)

در این زمینه می‌توان به استفاده علامه طباطبایی از روش فلسفی در تفسیر گران‌قدر المیزان فی تفسیر القرآن را اشاره کرد. روش فلسفی مجموع راه‌ها و قواعدی است که در فلسفه برای رسیدن به هدف این علم، یعنی طرح و اثبات مسائل فلسفی و پاسخ به پرسش‌های اساسی آن وجود دارد. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، این است که فلسفه تنها یک روش ندارد؛ بلکه به تناسب موضوعات خود، دارای روش‌های متفاوت است. بر اساس مکاتب مختلف فلسفی و هدف هر مکتب و

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۸۷

یا هدف هر فیلسوف، می‌توان روش‌های: استدلالی، اشرافی، دیالکتیک و استقرائی را از روش‌های فلسفی نام برد. ولی هرگاه به‌طور مطلق صحبت از روش فلسفه می‌شود، روش استدلالی - قیاسی مدنظر است.

به‌عنوان مثال: علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ مردم، امّتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد- پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد- به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند» (بقره/۲۱۳). در اثبات نبوت عامه از روش فلسفی استفاده می‌کند و با سه مقدمه که از خود آیه برداشت می‌شود، نبوت عامه را به شرح ذیل اثبات می‌کند:

ایشان ابتدا سه مقدمه به شرح ذیل عنوان می‌کنند:

۱. دعوت فطرت، به اختلاف از یک طرف به دلیل استخدام هر چیزی جهت انتفاع؛
۲. دعوت فطرت، بشر را به تشکیل اجتماع مدنی از روی اضطرار؛
۳. و عنایت خدای تعالی به هدایت بشر به سوی تمامیت خلقتش از سوی دیگر.

سپس ایشان در ادامه پس از بیان سه مقدمه، برهان نبوت عامه را چنین تقریر می‌کنند: «نوع بشر به حسب طبع، بهره‌کش است، و این بهره‌کشی و استخدام فطری، او را به تشکیل اجتماع و می‌دارد، و درعین حال، کار او را به اختلاف و فساد هم می‌کشاند، در نتیجه در همه شئون حیاتش که فطرت و آفرینش، برآوردن حوائج آن شئون را واجب می‌داند، دچار اختلاف می‌شود، و آن حوائج برآورده نمی‌گردد مگر با قوانینی که حیات اجتماعی او را اصلاح نموده، اختلافاتش را برطرف سازد و هدایت انسان به قوانین کذایی، و در نتیجه به کمال و سعادتش به یکی از دو طریق، ممکن می‌شود. اول اینکه او را از راه فطرتش ملهم کند به اینکه چگونه اختلاف را برطرف سازد؛ دوم به اینکه از راه دیگری که خارج از فطرت و ذات خود بشر باشد، و چون راه اول کافی نیست چون سبب پیدایش اختلاف خود فطرت بوده، و معنا ندارد که فطرت سبب حل اختلاف شود، ناگزیر باید از راه دوم صورت گیرد، و آن راه عبارت است از تفهیم الهی، و غیرطبیعی، که از آن به نبوت و وحی تعبیر می‌کنیم و این خود حجت و دلیلی است بر اصل مسأله نبوت، و به عبارتی دیگر دلیل نبوت عامه است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲/۱۹۶)

همچنین ایشان به روش فلسفی و از طریق استدلال «انی» که استدلال از طریق لوازم و آثار امری است؛ اثبات می‌کنند که: «عدالت اجتماعی فطری نیست؛ چراکه اگر فطری بشر بود باید عدالت اجتماعی در شوؤن اجتماعات غالب می‌بود؛ درحالی که می‌بینیم دائماً خلاف این در جریان است، و اقویای نیرومند، خواسته‌های خود را بر ضعف‌ها تحمیل می‌کنند، و غالب، مغلوب را به ذلت و بردگی می‌کشد، تا به مقاصد و مظامع خود برسد». (همان، ۱۷۷)

نتیجه اینکه می‌توان در فهم و تفسیر قرآن علاوه بر روش‌های درون دینی، از روش‌های برون دینی نیز استفاده کرد و این یک نوع دیگر مطالعات میان‌رشته‌ای است که دانشمندان و مفسران، آن را در فهم قرآن به کار می‌برند. همان‌طور که علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌ی ۲۱۳ سوره بقره به روش استدلالی که یکی از روش‌های متداول فلسفی است به تفسیر آیه و اثبات نبوت عامه پرداخته‌اند. ما در اینجا از باب نمونه به روش فلسفی و کاربرد آن در فهم قرآن اشاره کردیم؛ اما استفاده از روش علوم دیگر در فهم و تفسیر قرآن منحصر به روش فلسفی نیست؛ بلکه می‌توان از روش دیگر علوم در صورتی که سنخیتی با آیات مورد بحث داشته باشند، استفاده کرد. شاید برخی مطالعه تطبیقی و تفسیر علمی را نیز مطالعات میان رشته‌ای قرآن بدانند، در حالیکه تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. اینکه مطالعات میان رشته چه تفاوتی با مطالعات تطبیقی و تفسیر علمی دارد، نیازمند این است که بدانیم مطالعات تطبیقی و تفسیر علمی قرآن به چه معناست که در ذیل به شکل منسجم و مختصر بدان‌ها می‌پردازیم تا در ادامه وجوه تمایز آن‌ها را بیان کنیم.

۴- مطالعات تطبیقی قرآن

مطالعات تطبیقی (comparative studies) عنوان رایج و مقبولی است و در بسیاری از گستره‌ها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اساساً اخذ رویکرد مقایسه‌ای، ریشه قرآنی دارد آنجا که مقایسه‌های دو ضلعی و سه‌ضلعی میان «الذین یعلمون والذین لا یعلمون»، «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (واقعہ ۸-۱۰) و ... به کار می‌برد.

وقتی در تحقیق مسأله‌ای، بر آن هستیم که مطالعه تطبیقی داشته باشیم، ابتدا باید تصور خود از مطالعه تطبیقی را مورد بررسی قرار دهیم. دانشمندان معاصر در جامعه ما مواجهه‌های گوناگونی با امر تطبیق دارند؛ عده‌ای اساساً آن را اسمی بی‌مسمی و تلاشی بی‌فایده می‌انگارند و گروهی تطبیق را تنها به اموری محدود می‌کنند که قابل‌مقایسه است و نه بی‌ربط، بدون آنکه به توتولوژیک بودن سخن توجه کنند. عده‌ای هم هرگونه کنار هم نهادنی را مطالعه تطبیقی می‌انگارند. (قراملکی، ۱۳۹۰ش: ۲۸۹)

ابهام در چیستی، دامنه تطبیق و فرایند عملیاتی مطالعه تطبیقی، منشأ اصلی حیرت و سرگستگی است. فارغ از برداشت‌های متفاوت مطالعه تطبیقی شناخت یک پدیدار یا یک دیدگاه در پرتو مقایسه (توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق) است. (همان، ۲۹۴) که گاهی به‌منزله قیدی برای عنوان یا روش یک برنامه یا پروژه پژوهشی و گاهی هم در برنامه‌های آموزشی، درس خاصی برای روی آورد تطبیقی لحاظ می‌شود.

یکی از روش‌های کارآمد در مطالعات دینی به‌خصوص در حوزه‌ی علوم قرآن، مطالعات تطبیقی قرآن است. دانشمندان علوم قرآنی مواجهه‌های گوناگونی با امر مطالعات تطبیقی قرآن دارند. برداشت‌هایی که از مطالعات تطبیقی قرآن شده است به‌قرار ذیل است:

۴-۱- مقایسه قرآن با عهدین

مقایسه تطبیقی قرآن و عهدین (تورات و انجیل) در سه محور اصلی ذیل انجام می‌گیرد:

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۹۱

۴-۱-۱- مقایسه ساختاری

یکی از مقدماتی‌ترین مراحل بررسی تطبیقی قرآن و عهدین، بررسی و مقایسه ساختار کتب مقدس از حیث اجزای تشکیل‌دهنده آنها است. در این زمینه می‌توان به کتاب «مقایسه قرآن با عهدین» اثر راضیه شیرینی اشاره کرد که در آن به مباحثی مانند آشنایی با اجزای کتاب مقدس، آشنایی با بخش‌های عهد قدیم و عهد جدید پرداخته است.

۴-۱-۲- مقایسه اسنادی

گاهی مطالعه تطبیقی قرآن و عهدین از این لحاظ است که مطالب ذکرشده در آنها از سوی چه کسی هست. آیا الهی است یا بشری؟ در این زمی نه می‌توان از مقاله «الهی یا بشری بودن کتب مقدس در ادیان ابراهیمی» اثر محمدکاظم شاکر و مینا شمخی نام برد. (ر.ک؛ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۳۸۷ش: ش ۴)

۴-۱-۳- مقایسه محتوایی

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های پژوهشی در کتب مقدس، بررسی محتوی و مقایسه آنها با یکدیگر است. مطالعه تطبیقی قرآن و عهدین بیشتر به همین معنا به کار می‌رود. در این بخش تلاش می‌گردد یکی از موضوعات مشترک بین قرآن و عهدین و یا یکی از آنها را انتخاب و مواضع خلاف و وفاق بین آنها را بیشتر برجسته کنند و هدف در این نوع پژوهش بیشتر ایجاد هم‌زبانی و یا گزینش بهتر است. در این زمینه می‌توان از کتاب «القرآن و العهدین» اثر علی الشیخ نام برد که ایشان در بخش دوم کتاب، برخی از معارف ناب قرآنی مانند توحید در ذات و صفات و

توحید در افعال، را در قرآن و عهدین باهم مقایسه نموده و برتری قرآن نسبت به عهدین در معارف توحیدی را اثبات کرده است.

از جمله کتب موفق دیگر در این زمینه می‌توان به کتاب «مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» اثر دکتر موریس بوکای اشاره کرد که مباحث علمی را به صورت تطبیقی بین کتاب مقدس و قرآن کریم مقایسه کرده است و در موارد متعددی اعتراف می‌کند که تورات و انجیل با یافته‌های علوم تجربی مخالف است، اما قرآن مطالب مخالف علم ندارد، بلکه در این مورد مطالب اعجاز آمیزی بیان کرده است که در اینجا به یک مورد از این مقایسه‌های تطبیقی اشاره می‌شود.

دکتر موریس بوکای در مورد مراحل شش‌گانه خلقت پس از توجه به این نکته که در تورات سخن از شش روز متعارف است که خدا در روز هفتم (روز شنبه که آن را «سبت» می‌خوانند) به استراحت می‌پردازد. و این روز همین فاصله زمانی واقع بین دو طلوع یا دو غروب متوالی خورشید برای ساکن زمینی است. متذکر می‌شود که در قرآن کریم کلمه یوم به کار رفته که به معنای دوره می‌آید و سخن از روز هفتم استراحت نیست و این نکته از عجایب علمی قرآن است. (بوکای، ۱۳۸۲ش: ۱۸۳-۱۸۷)

۴-۲- مقایسه تفاسیر شیعه و اهل تسنن

تفسیر قرآن به دو نوع کلی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی تقسیم می‌شود. آنچه تاکنون مورد اهتمام مفسران فریقین بوده، همین دو نوع تفسیر است. نوع دیگر تفسیر که تاکنون در حوزه تفسیر قرآن به صورت مستقل مغفول مانده تفسیر تطبیقی یا مقارن است. این نوع تفسیر «به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۹۳

درباره‌ی مفاهیم قرآن می‌پردازد. مراد از تطبیق مقایسه بین دو مکتب از میان مکاتب و یا روش‌های گوناگون تفسیری (ادبی، روایی، کلامی و ...) نیست؛ بلکه بررسی تطبیقی تفسیر آیات فارغ از روش‌ها و مکاتب گوناگون آن تنها بر اساس دو منظر شیعی و اهل سنت، در دو حوزه مبانی تفسیر و معارف آیات قرآن است. (نجارزادگان، ۱۳۸۳، ش: ۱۳)

تفسیر تطبیقی به این معنا به دو صورت انجام می‌گیرد:

۴-۲-۱- روی آورد عامیانه

عده‌ای گمان می‌کنند که مقایسه، نتیجه و حاصل برنامه تحقیقی است و رسالت پروژه‌ی مطالعه‌ی تطبیق، کشف اختلاف‌ها و شباهت‌ها است. نه تنها به دست آوردن فهرست تفاوت و تشابه دو امر، هدف تحقیق تطبیقی نیست، بلکه توقف در این امر، برنامه پژوهشی را عقیم می‌سازد و جز التقاط دیدگاه‌ها و درآمیختن مبانی، ثمری در این امر به بار نمی‌آورد؛ زیرا وجوه تمایز و تشابه ظاهری، فریبنده است چه بسا در بن تشابه ظاهری، تفاوت واقعی باشد و در باطن تفاوت ظاهری، همسانی واقعی وجود داشته باشد؛ مثلاً شیخ مفید و ابن‌سینا هر دو اراده الهی را مجاز می‌دانند ولی دیدگاه آن‌ها تفاوت اساسی باهم دارد؛ زیرا شیخ مفید اراده الهی را به معنای ایجاد و فاعلیت می‌داند، درحالی‌که بوعلی آن را به صفت علم ارجاع می‌دهد. (قراملکی، ۱۳۹۰ ش: ۳۰۰)

اکثر پایان‌نامه‌هایی که با عنوان تفسیر تطبیقی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد نوشته می‌شود را می‌توان در این گروه جای داد؛ چرا که در این پایان‌نامه‌ها به دلایل مختلف از جمله: نداشتن تخصص کافی دانشجویان در این زمینه، نداشتن الگوی مناسب، شتاب‌کاری، ساده‌انگاری، فریبندگی زبان و غیره، دانشجویان صرفاً به جمع‌آوری دیدگاه‌ها و برجسته کردن مواضع خلاف و وفاق

ظاهری بسنده می‌کنند و این پروژه‌ها به ارائه دیدگاهی ژرف نمی‌انجامد. چنین مطالعه‌ای محدود به توصیف است و با استقصای موارد شباهت و یا موارد اختلاف به انجام می‌رسد.

۴-۲-۲- روی آورد عالمانه

گروه دیگر، تطبیق و مقایسه را ابزاری برای هدف مطالعاتی می‌دانند. به عبارت دیگر، از نظر آنان بررسی تطبیقی، صفت مبین روش، برای رسیدن به هدفی معین است. هدف «بررسی مقایسه‌ای» مانند هر روی آورد تحقیقی دیگر، جز فهم و شناخت نیست و مراد از شناخت در اینجا علم است. (همان: ۲۹۴)

محقق در این روش، ابتدا دامنه تطبیق را مشخص می‌کند. در تحدید دامنه عوامل مختلفی از جمله توانایی فردی، قابلیت تطبیق و .. نقش دارد. تحدید دامنه تطبیق، نه تنها چارچوب تحقیق را معین می‌کند، بلکه امکان و اثربخشی بررسی مقایسه‌ای را نیز نشان می‌دهد. (همان، ۲۹۷)

در مرحله دوم، امور مورد تطبیق را به دقت بررسی می‌کند و هرگونه شباهت و تفاوت را به صورت موردی و جزئی حتی ظاهری فهرست می‌کند. هیچ همسانی و تغییری نباید مورد غفلت واقع شود. نه تنها آنچه هست، بلکه در آنچه نیست نیز باید بررسی صورت پذیرد. هرچه فهرست تشابه‌ها و تفاوت‌ها غنی‌تر باشد، توفیق پروژه نیز بیشتر خواهد بود. (همان، ۲۹۹)

در مرحله سوم، محقق از موارد تشابه و تفاوت ظاهری گذشته و به مواضع خلاف و وفاق واقعی توجه وافی می‌کند. چه بسا الفاظ دو دیدگاه به رغم تشابه ظاهری، تفاوت اساسی و جوهری باهم داشته باشند. مولوی در دفتر ششم مثنوی

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۹۵

(بیت‌های ۶۴۹ و ۶۵۰) اشارت‌های آموزنده‌ای به نقش اشتباه لفظی در مقایسه‌ی امور داشته، می‌سراید:

هر دو گر یک نام دارد در سخن لیک شتآن این حَسَن تا آن حَسَن
اشتباهی هست لفظی در بیان لیک خود کو آسمان تا ریسمان

مهم‌ترین و سخت‌ترین مرحله مطالعه تطبیقی، عبور از مشابهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری به خلاف و وفاق واقعی است؛ به عبارت دیگر، عبور از موارد جزئی به مواضع عام و کلی که این مرحله نیازمند ابزارها و روش‌های شایسته است. (قراملکی، ۱۳۹۰: ۳۰۳)

در مرحله آخر، محقق به تبیین مواضع خلاف و وفاق می‌پردازد. کمال مطالعه تطبیقی، تبیین مواضع اشتراک و افتراق است. توصیف اختلاف‌ها و تشابه‌ها، درواقع، مقدمه‌ای برای کاوش در چرایی آن‌هاست. در بررسی مقایسه‌ای باید عوامل - و نه دلایل - وفاق و خلاف را به دست آورد. دلایل خلاف و وفاق برای عبور از موارد تشابه و تفاوت ظاهری و رسیدن به مواضع خلاف و وفاق واقعی به کار می‌آید؛ اما پس از طی این مرحله، باید در پرتو قانون کلی، مواضع خلاف و وفاق را تعلیل کرد. تبیین مواضع خلاف و وفاق، دشوارترین و عملی‌ترین مرحله‌ی مطالعه‌ی تطبیقی است. (همان، ۳۱۳)

در این زمینه می‌توان به کار پژوهشی آقای نجار زادگان در کتاب «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر در دیدگاه فریقین» اشاره کرد. ایشان پس از مقایسه‌ی مبانی فریقین در بررسی و مقایسه‌ی تفسیری آیات، به این مباحث پرداخته‌اند:

الف) بیان هدف، تحلیل واژگان درآمد به‌عنوان پیش‌آگاهی‌های لازم در بررسی آیات موردنظر.

ب) ارائه دیدگاه‌های تفسیری فریقین (شیعه و اهل سنه) از مصادر و منابع معتبر آنان.

ج) کشف نقاط مشترک فریقین درباره تفسیر آیات مذکور.

د) بیان ادله و شواهد و قرائن هرکدام از دو فریق بر اساس منابع تفسیری و غیره.

ه) بررسی و نقد ادله و گزینش دیدگاه درست.

و) خلاصه و نتیجه‌گیری. (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۸۳ش: ۱۵)

نگارنده از این نوع تفسیر تطبیقی با عنوان «تطبیق قرآن با علوم دیگر» یاد می‌کند؛ چرا که به‌صورت روش مند از همه‌ی نظرات مفسرین دو مذهب که گرایش‌های مختلفی از جمله: ادبی، روایی، عقلی، فلسفی، علمی و ... دارند استفاده کرده و مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند و در نهایت به دیدگاهی ژرف و شایسته ختم می‌شود.

۴-۳- تعیین مصداق آیه

بعضی از اوقات تطبیق به معنای «حمل آیه بر مصداق آن هست، آنجا که در محدوده دلالت لفظی به کار رود به معنای تفسیر بوده و آنجا که مصداق قابل انطباق بر مدلول لفظی نباشد، هم‌معنای تأویل می‌گردد». (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۱۴۰) از این‌رو علامه طباطبایی بسیاری از مصادیق ذکرشده در روایات ائمه را از باب جری و تطبیق به شمار می‌آورند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۶۶/۱)

گاهی برخی از دانشمندان از تطبیق معنای دیگری را استفاده کرده‌اند. مرحوم علامه طباطبائی (ره) در مورد روش متکلمان، فلاسفه و کسانی که علوم جدید را با آیات قرآن، وفق می‌دهند و آنچه موافق مذهب و رأی آنها است از قرآن اخذ

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۹۷

می‌کنند و آیات مخالف را تأویل می‌کنند، می‌فرماید: «این طریق از بحث را سزاوار است که تطبیق، بنامیم و نام تفسیر بر آن نگذاریم» (همان، ۱۰) مورد اخیر بیشتر در تفسیر به رأی و تفسیر علمی بحث می‌شود و تطبیق به معنای تعیین مصداق در همان مورد اول غلبت پیدا کرده و به کار می‌رود.

۵- تفسیر علمی

«تفسیر» در لغت از «فسر» به معنای بیان، روشن کردن (فیومی، بی تا: ۴۷۲/۲؛ این فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵۰۴/۴) پرده برداشتن و کشف کردن است. (مصطفوی، بی تا: ۸۶/۹) و در اصطلاح، عبارت است از بیان کردن معنای آیه‌های قرآن، روشن کردن و پرده‌برداری از اهداف و مدلول آن آیه‌ها (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۱). اما مقصود از علم در اینجا، علوم تجربی است؛ یعنی علمی که با شیوه امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی و یا نادرستی نظریات و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. پس منظور از تفسیر علمی، همان توضیح دادن آیات قرآن، به وسیله‌ی علوم تجربی است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش: ۲۲)

هدف این شیوه تفسیری آن است که نشان دهد قرآن- که سخن حق است- حاوی اشاراتی است گذرا بر بسیاری از اسرار طبیعت که علم، به تازگی آن را کشف کرده یا در آستانه کشف آن است. (معرفت، ۱۳۷۹ش: ۴۶۷/۲)

تفسیر علمی، به شیوه‌های مختلف توسط مفسران یا غیر مفسران انجام گرفته است و به خاطر همین موضوع، هرکس با توجه به شیوه عمل خاصی که از تفسیر علمی در ذهن خود مجسم کرده، در مقابل آن موضع مخالف، یا موافق گرفته و آن را تعریف کرده است و یا نام خاصی به آن داده است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

۵-۱- استخراج علوم از ظواهر قرآن

بعضی از مفسران؛ خصوصاً در گذشته سعی می‌کردند که تمام علوم را، از آیات قرآن به دست آورند؛ از این رو علمی مانند: ریاضی، تاریخ، ستاره‌شناسی و طب را به آیات قرآن نسبت می‌دادند و یا با تکلف، از آیات قرآن استخراج می‌کردند که در نتیجه به تأویل غیر معتبر، منتهی می‌شد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش: ۱۰۷) از طرفداران این نوع تفسیر می‌توان به ابو حامد غزالی و ابن ابی الفضل المرسی اشاره کرد که به عنوان مثال از آیهی شریفه «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِين» (شعراء/ ۸۰) علم پزشکی را استخراج کردند. (غزالی، بی‌تا: ۲۷)

۵-۲- تطبیق آیات قرآن، با علوم و تحمیل علوم، بر ظواهر قرآنی

تطبیق یا تفسیر علمی، در دو معنای اعم و اخص به کار می‌رود که بحث ما در این نوشتار، در قسمت اخص آن است.

الف. تطبیق به معنای اعم، یعنی انطباق آیات قرآن با فلسفه، کلام، علوم تجربی، منطق و ...

ب. تطبیق به معنای اخص، یعنی انطباق علوم تجربی (مانند شیمی، فیزیک و ستاره‌شناسی) با آیات قرآن

در سده‌های اخیر بعضی سعی کرده‌اند، کشفیات و نتایج و تئوری‌های علمی را، با آیات قرآن تطبیق دهند و بدین ترتیب، تفسیری علمی نما ارائه نمایند و خود را روشنفکر و علم‌گرا، نشان دهند. این افراد، گاهی از چهارچوب تفسیر معتبر و صحیح، خارج می‌شوند و هر جا یک نظریه و تئوری جدید (اثبات شده یا نشده) علمی پیدا کردند که موافق با ظاهر آیه‌ای از قرآن بود، به‌طور جزم و قطع، آن را به

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۱۹۹

قرآن نسبت می‌دهند و یا اگر یک قانون علمی، موردپسند آن‌ها واقع شد، کوشش می‌کنند تا آیه‌ای از قرآن بیابند که ظاهر آن، با آن قانون علمی، مطابقت داشته باشد و اگر چنین آیه‌ای نیافتند، به دنبال توجیه، تأویل و تفسیر به رأی آیات می‌روند و یک یا چند آیه را بر آن قانون علمی، تطبیق می‌کند یا قانون را بر آن آیه تحمیل می‌نمایند. این روش، دارای آثار سوء فراوان است؛ چون ممکن است با پیشرفت علم، آن نظریه بی‌اعتبار شود و حیثیت قرآن به خطر افتد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش: ۱۰۷) مثال این‌گونه تفسیر را در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره‌ی اعراف از عبدالرزاق نوفل می‌توان دید که «نفس» را به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کرده است و گفته است: «منظور قرآن این است که همه شمارا از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است آفریدیم» (نوفل، ۱۳۹۳ق: ۱۵۶) وی در این تفسیر حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را بیان نکرده است.

از دیگر نمونه‌های این‌گونه تفاسیر می‌توان به سخنان طنطاوی در مورد آیه «الْيَوْمَ نَحْتُمُ عَلَىٰ أَقْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ امروز بر دهان‌های آنان مَهر می‌نهم، و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی می‌دهند.» (یس/۶۵) اشاره کرد.

طنطاوی در الجواهر، می‌گوید: «آیا این استدلال به اثر پا (رد پا) و اثر انگشت که امروز ثابت شده نیست؟ این صریح قرآن است ... و این مطالب را قرآن فرموده، تا ما را آگاه کند که در دست‌ها و پاها اسراری است و دست‌ها و پاها با هم، اشتباه نمی‌شود، بنابراین بر قاتلان و دزدان برطبق آثار آنها حکم کنید ... و این معجزات قرآن و غرایب اوست، اگر نه چگونه این مسئله‌ای که بعد از هزار سال اثبات شده، در قرآن به‌طور صریح آمده است.» (طنطاوی، ۱۳۵۰ق: ۹/۳)

۵-۳- استخدام علوم در فهم قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر اقدام به تفسیر علمی می‌کند؛ یعنی تلاش می‌کند با استفاده‌ی از مطالب قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن طبق معنای لغوی و اصطلاحی موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه‌ی تفسیر علمی، بهترین نوع بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

برای مثال، آیه‌ی شریفه‌ی «الشمس تجری لمستقر لها؛ خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» (یس/۳۸) در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسّی و روزمره‌ی خورشید را می‌دانستند؛ حتی برخی از مفسران از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند. (طبری، ۱۳۹۳ق: ۲۳/۵-۶) در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره‌ی ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید متحرک می‌بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند.

با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه‌ی شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است. پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه‌ی قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و ...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی (۲۰۱)

گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زیر می‌شود و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است. (اوبلاکر، ۱۳۷۰ش: ۴۵-۴۸)

پس از ارائه‌ی برداشت‌های متفاوت از میان رشته‌ای قرآن کریم، مطالعه‌ی تطبیقی و تفسیر علمی، به بیان وجوه تمایز این سه روش می‌پردازیم:

۶- وجوه تمایز مطالعه‌ی تطبیقی قرآن با مطالعات میان رشته‌ای قرآن

ممکن است در ابتدا، شیوه مطالعه‌ی تطبیقی با مطالعات میان رشته‌ای یکسان به نظر برسد ولی محققان دیگر تفاوت‌هایی بین این دو روش قائل هستند. (رک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ش: ۴۲) و این ناشی از برداشت آن‌ها از این دو روش هست. برای مقایسه دو امر، ابتدا باید برداشت خود را از آن‌ها مشخص کنیم تا معلوم شود که قابل مقایسه هستند یا اینکه هر دو به یک معنا هستند. در رابطه‌ی مقایسه تفسیر تطبیقی با مطالعات میان رشته‌ای باید ببینیم کدام برداشت از تفسیر تطبیقی با مطالعات میان رشته‌ای امکان دارد اشتباه شود تا آن دو را باهم مقایسه کنیم چرا همان معنا، قابلیت مقایسه را دارد.

با توجه به آنچه در برداشت‌های متفاوت از مطالعه‌ی تطبیقی قرآن ارائه دادیم، امکان اشتباه دو معنای اول و سوم یعنی تطبیق قرآن با عهدین و تطبیق مصادیق بر آیه با مطالعات میان رشته‌ای قرآن ندارد؛ لذا از محل بحث خارج است؛ همچنین یکی از وجوه تطبیق که تطبیق یافته‌های علمی بر قرآن بود که در ادامه در بخش تفسیر علمی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما تطبیق به معنای مقایسه تفاسیر دو مذهب شیعه به همان معنایی که برای آن تعریف کردیم، جای بحث دارد. تطبیق به این معنا به دو شکل بود که تطبیق با روی آورد عالمانه با میان رشته‌ای هم معنا است؛ هر چند

که تفاوت‌هایی جزئی که، خللی به بحث وارد نمی‌کند، باهم دارند. گفتنی است که بخش مهمی از مطالعات میان‌رشته‌ای، آن دسته از مطالعات است که اصطلاحاً مطالعات تطبیقی یا مقایسه‌ای خوانده می‌شود. البته این بدان معنا نیست که الزاماً هر مطالعه‌ی تطبیقی میان‌رشته‌ای است؛ چرا که بعضی از مطالعات تطبیقی کاملاً درون رشته‌ای است. (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۱۱۹) و نمی‌توان میان رشته‌ای باشد.

مقایسه تفاسیر دو مذهب با رویکرد عالمانه از این لحاظ که تمام آراء صرفی، نحوی، بلاغی، فلسفی، و... مفسران شیعی و سنی را به‌صورت روشمند جمع‌آوری و مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و نظر جدید ارائه می‌دهد و یا نظر شایسته را انتخاب می‌کند، نوعی مطالعه میان‌رشته‌ای به حساب می‌آید؛ همان‌طور که در مثالی که زدیم، این مطلب اثبات شد.

اما مقایسه تفاسیر دو مذهب با رویکرد عامیانه، تفاوت‌هایی با مطالعات میان‌رشته‌ای دارد که به اهم آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود:

۱. هدف در تفسیر تطبیقی، جمع آراء به‌صورت مکانیکی و برجسته کردن مواضع خلاف و وفاق است؛ درحالی‌که هدف در مطالعات میان‌رشته‌ای، رسیدن به راه‌حل مناسب برای مسأله است.
۲. تفسیر تطبیقی به نقاط اندیشه‌ها ختم می‌شود؛ درحالی‌که مطالعات میان‌رشته‌ای به راه‌حل مناسب و یا به روش مناسب می‌انجامد.
۳. در تفسیر تطبیقی، صرفاً از داده‌ها و اطلاعات دیگر علوم استفاده می‌شود؛ درحالی‌که در مطالعات میان‌رشته‌ای، علاوه بر داده‌ها، از روش دیگر علوم نیز استفاده می‌شود.

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۲۰۳

۴. استفاده از داده‌ها و اطلاعات علوم دیگر در تفسیر تطبیقی به‌طور سطحی است؛ ولی در مطالعات میان‌رشته‌ای از دیگر علوم به‌طور تخصصی استفاده می‌شود.

۵. تفسیر تطبیقی بیشتر شخص محور است؛ یعنی بر اطلاعات همان شخص افزوده می‌شود؛ ولی مطالعات میان‌رشته‌ای بیشتر به تولید علم می‌انجامد.

۷- وجه تمایز تفسیر علمی با مطالعات میان رشته‌ای

با توجه به آنچه در برداشت از تفسیر علمی ذکر شد، می‌توان گفت تفسیر علمی به معنای استخراج همه‌ی علوم از قرآن، از محل بحث خارج است؛ برای اینکه طرفداران این نظریه، به دنبال استخراج علوم از قرآن هستند و به استفاده علوم در حل مسائل قرآنی کاری ندارند.

اما تفسیر علمی به معنای استخدام علوم در فهم قرآن را اگر منحصر در علوم تجربی نکنیم، هم‌معنا با مطالعات میان‌رشته‌ای خواهد بود؛ چراکه در این مورد، هم می‌توان از داده‌های علوم مختلف و هم از روش‌های علوم مختلف به‌طور روشمند در فهم قرآن استفاده کرد؛ همانطور که در تعریف تفسیر علمی بدان اشاره شد.

مطالعه تطبیقی به معنای منطبق کردن یافته علمی بر قرآن و تفسیر علمی به معنای تحمیل و تطبیق یافته‌های علوم تجربی بر ظواهر قرآن، موردی است که گاهی برخی از آن به میان‌رشته‌ای یاد می‌کنند؛ ولی تفاوت‌های اساسی بین آن‌ها است که به اهم آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود:

۱. هدف از مطالعات میان رشته‌ای، حل مسأله واحد در پرتو علوم مختلف است؛ درحالی‌که در تفسیر علمی، یکی از یافته‌های علوم (قطعی - ظنی) را به‌عنوان جواب مسئله ارائه می‌دهند.

۲. در مطالعات میان‌رشته‌ای، هم از داده‌ها و هم از روش‌های علوم دیگر برای رسیدن به جواب مسئله بهره‌مند می‌شوند؛ ولی در تفسیر علمی، صرفاً داده یکی از علوم را بر آن منطبق می‌کنند.
 ۳. تطبیق یافته‌های علمی در بیشتر موارد که جزو قطعیات نیست به تفسیر به رأی می‌انجامد؛ ولی مطالعات میان رشته به صورت روشمند به حل مسئله می‌انجامد.
 ۴. تفسیر علمی بیشتر جنبه ذوقی دارد؛ ولی در مطالعات میان‌رشته‌ای، روشمند و قاعده‌مند عمل می‌شود.
 ۵. در تفسیر علمی به نظرات دیگران توجه نمی‌شود؛ در حالی که در میان‌رشته‌ای سعی می‌شود به همه‌ی نظرات توجه شود و در صورت لزوم، نقد و بررسی شود.
 ۶. تفسیر علمی استفاده‌ی حداقلی از یک علم در فهم قرآن است؛ ولی در مطالعات میان‌رشته‌ای، استفاده حداکثری از علوم در فهم قرآن مدنظر است.
 ۷. در مطالعات میان‌رشته‌ای علاوه بر ابعاد مادی موضوع، نگاه فلسفی و وحیانی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهند؛ ولی در تفسیر علمی نه تنها به امور مادی توجه می‌شود، بلکه امور غیرمادی را نیز به امور مادی تبدیل می‌کنند.
- از آنچه ذکر شد، می‌توان استفاده کرد که که مطالعات میان رشته‌ای با تفسیر علمی و مطالعه تطبیقی قرآن در بعضی معانی مترادف و در برخی دیگر متفاوت هستند و به لحاظ منطقی، رابطه عموم و خصوص من وجه دارند. یعنی مطالعه تطبیقی قرآن به معنای مطالعه تطبیقی قرآن با عهدین، تطبیق مصادیق بر آیات قرآنی، تطبیق یافته‌های علمی بر آیات و تفسیر تطبیقی عامیانه بین تفاسیر دو مذهب تشیع

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۲۰۵

و تسنن با مطالعات میان رشته‌ای فرق دارد. اما تفسیر تطبیقی عالمانه بین تفاسیر تشیع و تسنن از این رو که روشمند و به دیدگاهی ختم می‌شود، با مطالعات میان رشته‌ای هم معنا است.

همچنین تفسیر علمی به معنای استخراج تمام علوم از قرآن و تطبیق یافته‌های علمی بر قرآن با مطالعات میان رشته‌ای تفاوت دارد. اما تفسیر علمی به معنای استخدام علوم (تمام علوم مرتبط) در فهم قرآن هم معنا با مطالعات میان رشته‌ای است.

۸. نتیجه

به دلیل نو مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، برخی مطالعه تطبیقی قرآن و تفسیر علمی را نیز به همان معنا به کار برده‌اند. راه‌حل مسئله را باید در تبیین سه روش و برجسته کردن وجوه افتراق آن‌ها جست. مطالعه میان رشته‌ای قرآن به این معنا است که فردی در علوم قرآنی متخصص باشد و برای حل پدیده (موضوع یا مسأله) چندوجهی، از یافته‌ها و یا روش علوم دیگر به‌طور تخصصی و نه سطحی جهت تعمیق دانسته‌ها و یا تکمیل آن استفاده کند.

مطالعه تطبیقی قرآن، اغلب به معنای مطالعه تطبیقی بین مذهب شیعه و مذاهب اهل سنت به دو شکل عالمانه و عامیانه، و گاهی به معنای مطالعه تطبیقی قرآن با عهدین و به‌ندرت به معنای مطالعه تطبیقی بین قرآن و علوم دیگر است که از مورد آخر بیشتر با عنوان تفسیر علمی تعبیر می‌شود.

تفسیر علمی نیز در نگاه صاحب‌نظران و مفسران در معانی مختلفی به کار رفته است. از جمله: تطبیق نظریه‌های علمی بر آیات قرآن، استخراج تمام علوم از قرآن و یا استخدام علوم در فهم قرآن که همگی حکم واحدی ندارند.

بنابراین مطالعه میان رشته‌ای قرآن با تفسیر علمی و مطالعه تطبیقی قرآن در بعضی معانی مترادف و در برخی معانی دیگر متفاوت هست و به لحاظ منطقی رابطه

عموم و خصوص من وجه دارند. یعنی بخش وسیعی از مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن شامل مطالعه تطبیقی و تفسیر علمی قرآن می‌شود؛ اما هر مطالعه تطبیقی و هر تفسیر علمی از قرآن، میان‌رشته‌ای نیست. به عبارت دیگر مطالعه تطبیقی قرآن به معنای: تطبیق عامیانه تفاسیر دو مذهب تشیع و تسنن، مطالعه تطبیقی قرآن با عهدین و تطبیق مصادیق بر قرآن و تطبیق یافته‌های علمی بر قرآن مطالعه میان‌رشته‌ای نیست. همچنین تفسیر علمی به معنای استخراج تمام علوم از قرآن و تطبیق یافته‌های علمی بر قرآن با مطالعات میان‌رشته‌ای تفاوت دارد و نمی‌توان آن را میان‌رشته‌ای قرآنی خواند.

اما مطالعه تطبیقی قرآن به معنای، تفسیر تطبیقی عالمانه بین دو مذهب تشیع و تسنن که ما در این پژوهش آن را مطالعه تطبیقی قرآن و علوم دیگر نام‌گذاری کردیم و همچنین تفسیر علمی به معنای استخدام همه علوم در فهم قرآن هم‌معنا با مطالعات میان‌رشته‌ای است و می‌توان به‌جای آن‌ها عنوان مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن را به کار برد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند؛ (۱۴۱۸ق)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. ابن فارس، احمد؛ (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلامی الاسلامی.
۳. اوبلاکر، اریک، فیزیک نوین؛ (۱۳۷۰ش)، ترجمه بهروز بیضاوی، انتشارات قدیانی: تهران.

مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی ۲۰۷

۴. بوکای، موریس؛ (۱۳۸۲ش)، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. پاکتچی، احمد؛ (۱۳۸۷ش)، «الزامات زبان‌شناختی میان‌رشته‌ای، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی»؛ ش ۱، زمستان ۸۷، صص ۱۳۵-۱۱۱.
۶. خرسندی طاسکوه، علی؛ (۱۳۸۷ش)، گفت‌مان میان‌رشته‌ای دانش، تهران: پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ (۱۳۸۱ش)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین.
۸. _____؛ (۱۳۸۹ش)، «روش‌شناسی مطالعات تطبیقی در تفسیر قرآن، تحقیقات علوم قرآن و حدیث»، دوره هفتم، شماره اول، صص ۳۶-۵۶.
۹. _____؛ (۱۳۷۵ش)، درآمدی بر تفسیر علمی، قم: اسوه.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ (۱۳۹۳ق)، جامع البیان فی تائویل آی القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۱۲. طنطاوی، الشیخ طنطاوی بن جوهری؛ (۱۳۵۰ق)، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، مصر: مصطفی البابی الحلبی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن؛ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۴. علوی پور، محسن و همکاران؛ (۱۳۸۷ش)، مبانی نظری و روش‌شناسی میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی؛ (۱۳۸۷ش)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
۱۶. غزالی، محمد؛ (بی تا)، الجواهر، بی جا، بی نا.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد؛ (بی تا)، المصباح المنیر، قم: دارالهجره.
۱۸. قراملکی، احد؛ (۱۳۹۰ش)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۹. مصطفوی، حسن؛ (بی تا)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، سوم.
۲۰. معرفت، محمدهادی؛ (۱۳۷۹ش)، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگی التمهید.
۲۱. مولوی، جلال‌الدین محمد؛ (۱۳۷۰ش)، مثنوی معنوی (تصحیح نیکلسون)، تهران: مولی.
۲۲. نجار زادگان، فتح‌الله؛ (۱۳۸۳ش)، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در نگاه فرقین، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۳. نوفل، عبدالرزاق؛ (۱۳۹۳ق)، القرآن و العلم الحدیث، بیروت: دارالکتب العرب.